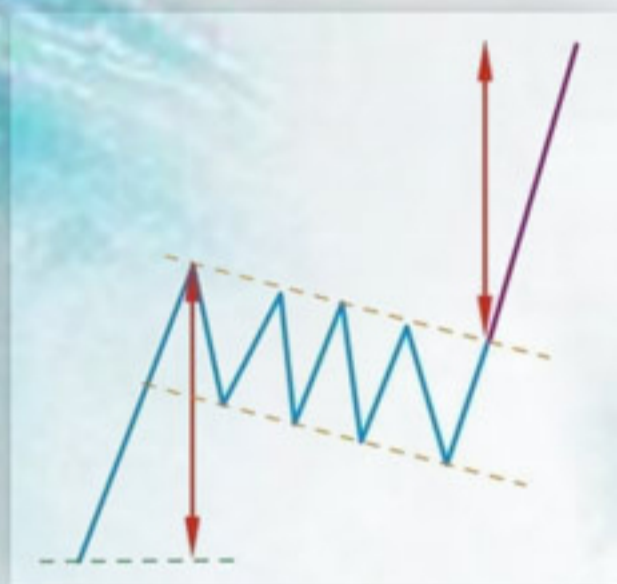
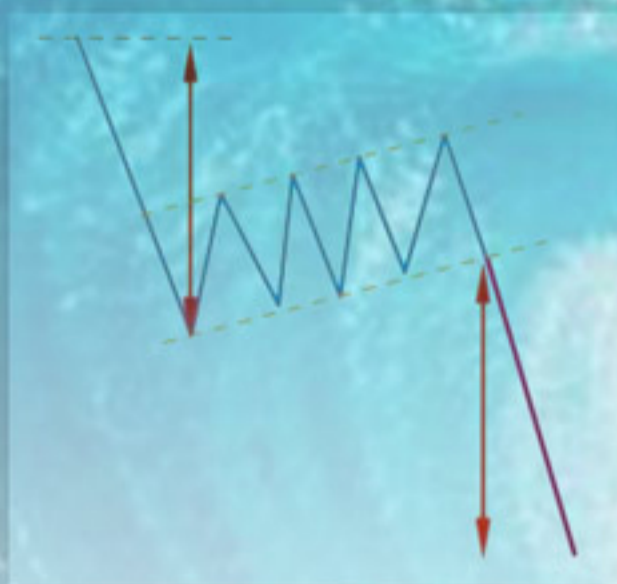


الگوهای بازگشتی و ادامه دهنده



WAVE RIDING

موج سواری در بورس

@waveriding کانال تلگرام



abcBourse.ir

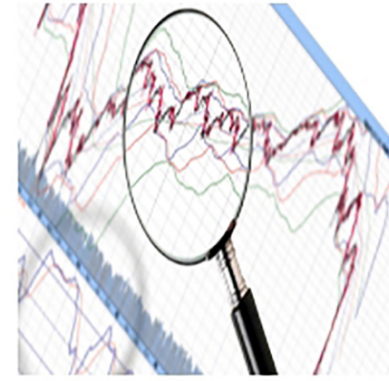


@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



باز نشر :



همان طور که قبلاً ذکر شد، در تحلیل تکنیکال می‌توان سطوح حمایت و مقاومت، یا الگوهای شمعی را به صورت چشمی در نمودار تشخیص داد. اما تشخیص چشمی فقط به این موارد محدود نمی‌شود.

قیمت در نوساناتی که انجام می‌دهد الگوهایی را در نمودار ثبت می‌کند. این الگوها در خیلی موارد از تجمع دو یا سه سطح حمایت/مقاومت، یا همگرایی دو خط روند تشکیل می‌شوند. به شکلی که قیمت در محدوده‌ای، نه رفتار صعودی و نه نزولی بروز می‌دهد. ولی در عین حال، چنین شرایطی می‌تواند به تحلیل روند آتی قیمت کمک کند؛ روندی که می‌تواند ادامه دهنده روند قبلی باشد یا بازگشت آن.

در این درس به الگوهای کلاسیک می‌پردازیم که برخی از آنها بازگشتی هستند و برخی دیگر ادامه دهنده. و همه آنها در یک خصوصیت مشترک اند: امکان تشخیص چشمی.

با این حال هر یک دارای خصوصیت‌هایی هستند که عدم تشخیص صحیح آنها، می‌تواند به تشخیص غلط الگو منجر شود؛ یعنی به خاطر دقت کم در چک کردن ویژگی‌ها، ممکن است در جایی که واقعاً الگویی رخ نداده، یک الگو را تشخیص دهیم که این می‌تواند به تحلیل و در نتیجه معامله غلط بینجامد.

الگوی سقف دو تایی (سقف دو قلو)

این، یک الگوی بازگشتی است و همان‌طور که از اسمش بر می‌آید در انتهای یک روند صعودی رخ می‌دهد. دو سقف در یک سطح واحد رخ می‌دهند و در هر دو مرتبه قیمت از شکستن آن سطح عاجز می‌ماند. در ابتدا، قیمت در ادامه روند صعودی خود به سطحی خاص برخورد می‌کند. سپس نزولی می‌شود و قبل از وقوع سقف دوم، یک کف نسبی را داریم. بعد از بالا رفتن مجدد و لمس دوباره آن سطح، قیمت دوباره به سمت کف نسبی که خط موازی آن را «خط گردن» می‌نامیم بازگشت می‌کند.



با دقت به تصویر بالا توجه کنید. ابتدا یک «روند صعودی قوی» را داریم. سپس سقف اول رخ می‌دهد و قیمت بازگشت می‌کند. وقتی قیمت دوباره به بالا برگشت می‌توانیم سطح مورد نظر برای کف نسبی را با اطمینان تشخیص داده و «خط گردن» را رسم کنیم. سپس سقف دوم تشکیل شده و قیمت دوباره به سمت «خط گردن» بازگشت می‌کند. رسیدن قیمت به خط گردن و سپس شکسته شدن آن، می‌تواند موجب وقوع یک سقوط به اندازه «فاصله عمودی خط گردن تا سقف دو قلو» شود:



همانطور که می‌بینید قیمت در ادامه به اندازه تخمین ما سقوط کرده. در چنین حالتی حد ضرر ما نیز می‌توانست به اندازه نیمی از حد سود، و در بالای خط گردن قرار بگیرد.

الگوی کف دو تایی (کف دو قلو)

این الگو، درست بر عکس الگوی قبلی است و از این رو به طور خلاصه مشخصات آن را ذکر می‌کنیم:



- وقوع دو کف در سطحی از قیمت، بعد از یک روند نزولی قوی.
- صعود قیمت به سمت خط گردن که با استفاده از سقف نسبی بین کف‌های دو قلو رسم شده.
- و در ادامه صعود قیمت به اندازه فاصله عمودی بین خط گردن و کف دو قلو



همانطور که مشاهده می‌کنید، این الگو و رفتار قیمت بعد از وقوع آن دقیقاً بر عکس الگوی سقف دو تایی است و از این رو توضیح اضافه‌ای برای آن لازم نیست.

الگوی سر و شانه

این الگو معروف‌ترین الگوی کلاسیک در تحلیل تکنیکال است. برای درک بهتر آن لازم است ابتدا به تصویر زیر توجه نمایید:



۱. نخست شاهد یک روند صعودی (ترجیحاً قوی) هستیم.

۲. سپس یک سقف تشکیل می‌شود (شانه چپ) و قیمت به پایین باز می‌گردد تا یک کف نسبی (اولین نقطه رسم خط گردن) را تشکیل دهد.

۳. در مرحله بعد، قیمت دوباره صعود کرده و سقفی بالاتر از سقف اول (شانه چپ) را تشکیل می‌دهد که به آن «سر» می‌گوییم.

۴. با نزول قیمت و تشکیل یک کف نسبی دیگر، نقطه دوم رسم «خط گردن» نیز به دست می‌آید؛ توجه داشته باشید که خط گردن می‌تواند افقی باشد یا آریب. ولی در حالت دوم، شیب آن ناپستی زیاد باشد زیرا موثقت‌ترین الگوهای «سر و شانه» الگوهای کاملاً متقارن هستند که در آنها هم دو «شانه» در یک سطح هستند و هم خط گردن افقی است. در رتبه دوم، الگوهای نسبتاً متقارن قرار می‌گیرند که دو شانه در یک سطح قرار دارند ولی خط گردن کمی آریب است. و در رتبه آخر نیز الگوهای غیر متقارن قرار می‌گیرند که هم دو شانه در یک سطح نیستند و هم خط گردن آریب است. در این گونه آخر، عدم تقارن تا حدی پذیرفته است ولی شیب خط شانه (خطی که دو سقف نسبی را به هم وصل می‌کند) و شیب خط گردن نباید زیاد باشد.

۵. با بازگشت قیمت از روی خط شانه به بالا و تشکیل سقف نسبی دوم که به آن «شانه راست» گفته می‌شود، قیمت مجدداً به سمت خط گردن باز می‌گردد و در اینجا است که الگو تکمیل شده. حالا فقط باید منتظر شکسته شدن خط گردن باشیم. میزان سقوط احتمالی (حد سود) برابر با فاصله عمودی «خط گردن» و «سر» در مرکز الگو است.

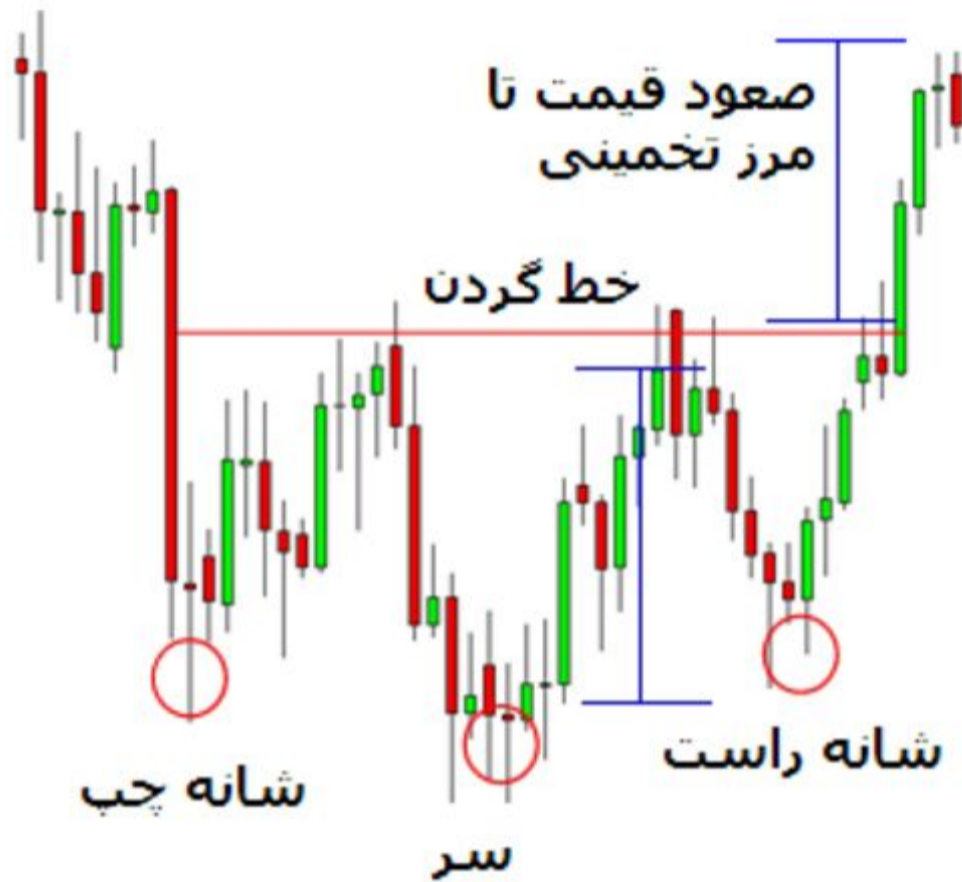


الگوی سر و شانه معکوس

همانطور که برای الگوی سقف دو قلو یک الگوی معکوس وجود داشت، برای الگوی سر و شانه نیز الگویی معکوس وجود دارد که به آن «سر و شانه معکوس» می‌گوییم. شرایط کلی و نحوه تشکیل آن شبیه الگوی قبلی است بنابراین در اینجا فقط به آوردن دو عکس کفایت می‌کنیم:



همانطور که مشاهده می‌کنید این الگوی سر و شانه معکوس، ایده آل است. یعنی خط گردن افقی و دو شانه نیز در یک راستا قرار دارند:



نکته: در مورد هر دو الگوی «سر و شانه» و «سر و شانه معکوس» می‌توان یک حد سود دوم نیز در نظر گرفت که معادل دو برابر حد سود اول (یعنی دو برابر فاصله عمودی بین سر و خط گردن) باشد. به بیان دیگر، تجربه نشان داده که یک روند بازگشتی بالقوه، در برخی از مواقع بعد از عبور از حد سود اول، چنانچه قدرت خود را از دست ندهد امکان رسیدن به فاصله دو برابری را هم دارد.

الگوی Wedge

این مورد را به خاطر اهمیت آن در ابتدای توضیح ذکر می‌کنیم. الگوی Wedge (چه صعودی و چه نزولی) یک الگوی تنگ شونده شبیه به الگوی مثلث (که در ادامه شرح خواهیم داد) است. الگوی Wedge صعودی چه در روند صعودی شکل بگیرد و چه در روند نزولی، «سیگنال نزول قیمت» را صادر می‌کند. و بر عکس، الگوی Wedge نزولی چه در روند نزولی رخ دهد و چه در روند صعودی، «سیگنال صعود قیمت» را صادر می‌کند.

حال به تفکیک، به این دو الگوی هم خانواده می‌پردازیم.

Wedge صعودی

حالت اول: این الگو زمانی رخ می‌دهد که قیمت بین دو خط، یکی حمایت و دیگری مقاومت، ولی هر دو صعودی گیر کند. در این وضعیت سقف‌ها یکی از قبلی بالاتر، و کفها نیز یکی از قبلی بالاتر خواهند بود. به تصویر زیر که مربوط به یک روند صعودی است توجه فرمایید:



قیمت بین یک خط مقاومت صعودی در بالا و یک خط حمایت صعودی در پایین گیر کرده است. در چنین شرایطی الگوی Wedge قیمت را به پایین خواهد راند:



مشاهد نمودید که چطور قیمت ضلع پایین را شکسته و نزول کرده. در اینجا حد سود، معادل دهانه الگوی Wedge در نظر گرفته می‌شود.

و اما بپردازیم به حالت دوم از Wedge صعودی.

حالت دوم: این حالت مربوط به وقوع الگوی Wedge صعودی در ادامه یک روند نزولی است. در اینجا خط پایین، نقش مقاومت را ایفا می‌کند و خط بالا نقش حمایت را، به تصویر نخست دقت نمایید:



سپس باز هم مشابه الگوی قبلی، قیمت خط پایینی را شکسته و نزول کرده:



نکته: همانطور که در دو تیترا بالا مشاهده نمودید، Wedge صعودی هم می‌تواند در نقش یک الگوی بازگشتی ظاهر شود و هم در نقش یک الگوی ادامه دهنده.

و حالا به الگوی Wedge نزولی می‌پردازیم.

Wedge نزولی

حالت اول: در ادامه یک روند نزولی، قیمت وارد یک Wedge نزولی می‌شود:



سپس Wedge نزولی به عنوان یک الگوی بازگشتی عمل کرده و قیمت ضلع بالای آن را می شکند. حد سود در اینجا نیز به اندازه ارتفاع دهانه الگو است:



حالت دوم: در اینجا الگوی Wedge نزولی در ادامه یک روند صعودی پدیدار شده و به عنوان یک الگوی ادامه دهنده عمل می کند:



و پس از شکست ضلع بالای الگو می توان حد سود را مانند سه حالت قبلی تعیین کرد:



الگوی مستطیل

در ابتدا این الگو را به صورت تصویری به شما معرفی می‌کنیم:



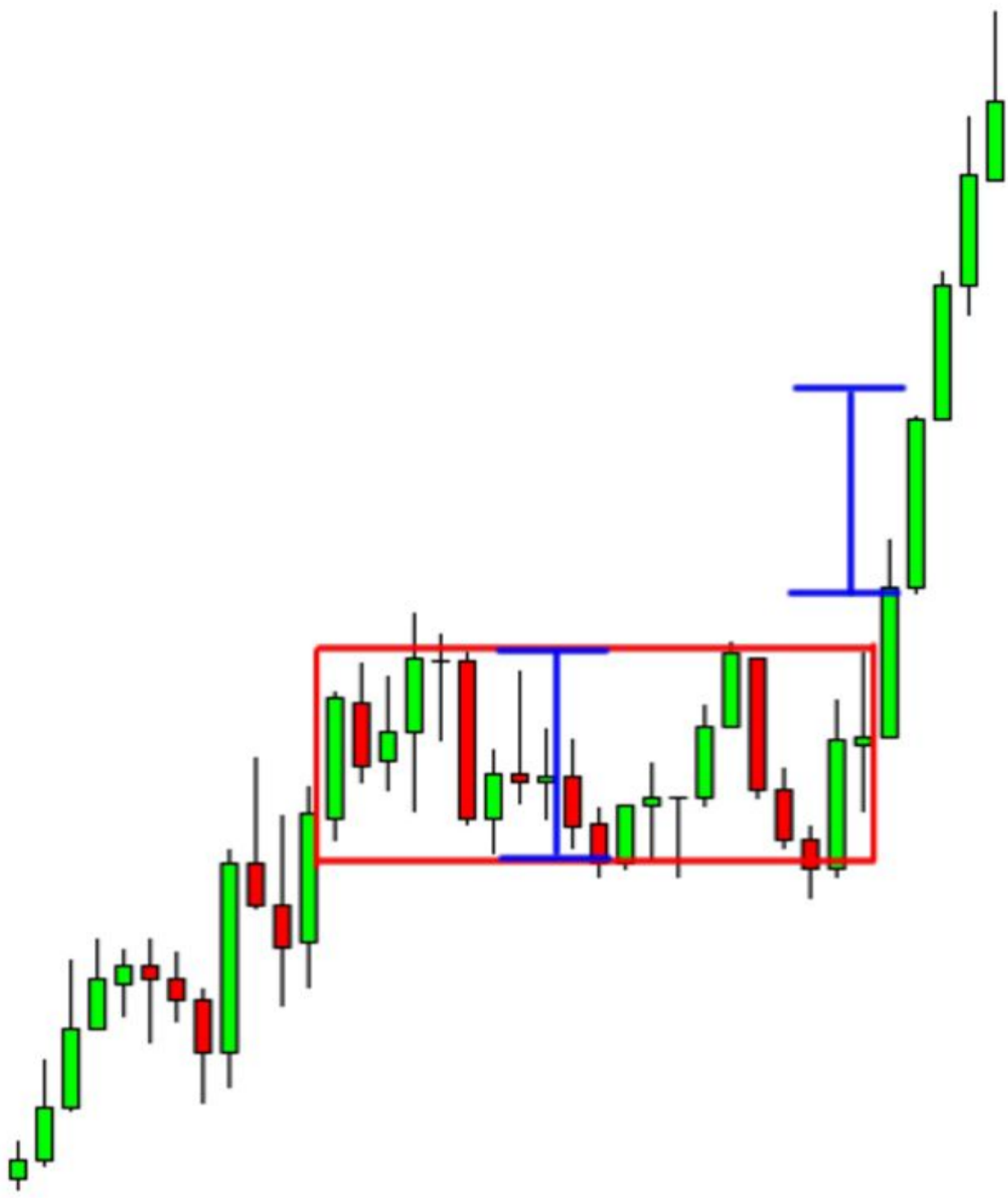
دو خط موازی که یکی حمایت و دیگری مقاومت است، قیمت را در میان خود گیر می‌اندازند و به این طریق یک BOX مستطیلی شکل ایجاد می‌شود. قیمت چندین بار این دو خط را لمس می‌کند تا سر انجام تصمیم بازار برای روند آتی مشخص شود.

الگوی مستطیل، الگویی است ادامه دهنده. به عبارت دیگر زمانی آن را مورد توجه قرار می‌دهیم که در ادامه یک روند قوی یا نسبتاً قوی شکل بگیرد و چنانچه بر خلاف روند قبل از خود شکسته شد، سیگنال آن را مد نظر قرار نمی‌دهیم زیرا احتمال غلط بودن آن بالاتر از احتمال صحیح بودنش هست.

الگوی مستطیل نزولی چنین است:

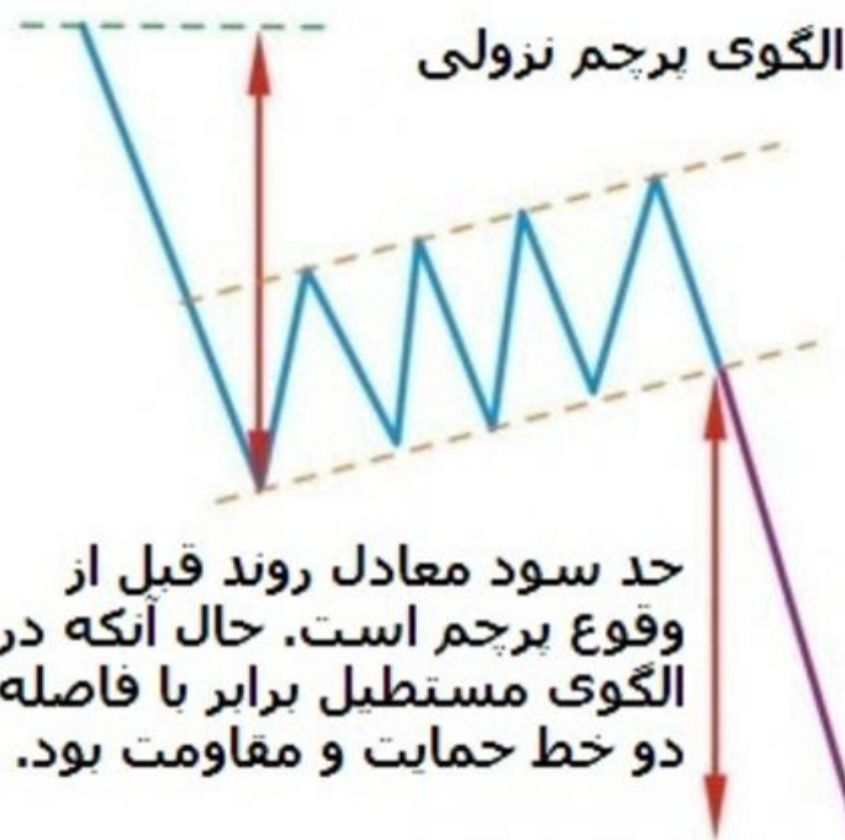


و الگوی مستطیل صعودی نیز مشابه حالت نزولی آن ولی در جهت بر عکس است:

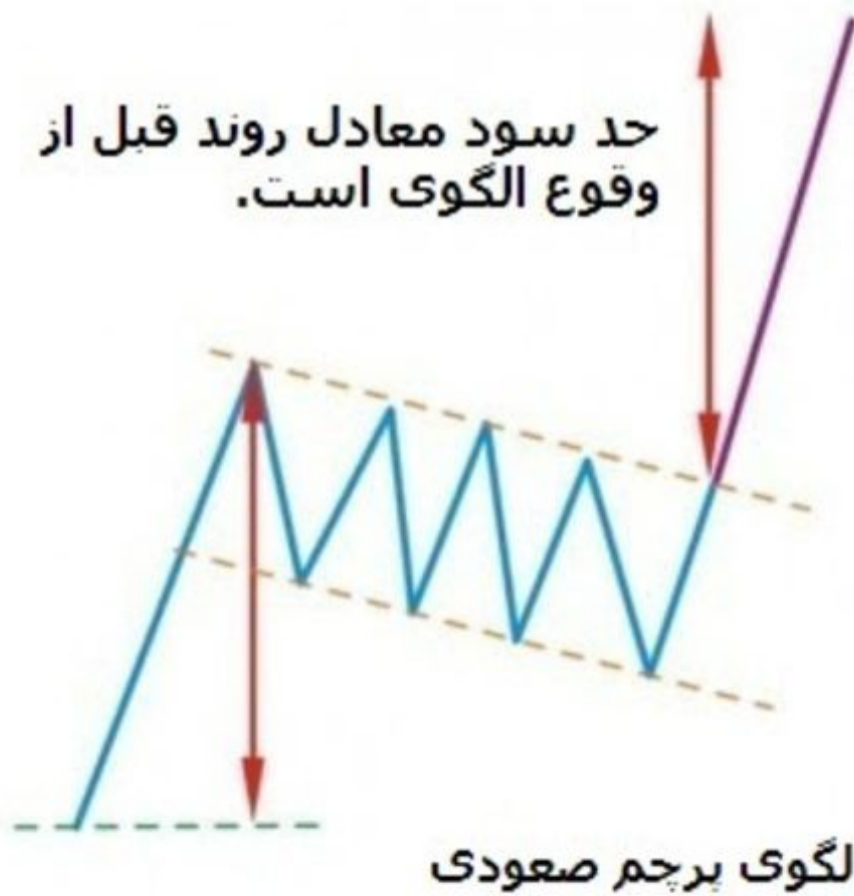


الگوی پرچم

یکی دیگر از الگوهای ادامه دهنده، الگوی پرچم است. این الگو در حقیقت گونه‌ای از الگوی مستطیل است با این تفاوت که دو خط حمایت و مقاومت آن، شیبی در خلاف جهت روند پیش و پس از خود دارند. به تصویر زیر نگاه کنید:



عکس حالت فوق را پرچم صعودی می‌نامیم که شرایطی مشابه آن ولی به شکل زیر دارد:



الگوهای مثلث

یکی از فراگیرترین الگوهای تکنیکال، الگوی مثلث است. مثلث‌ها در اکثر تایم فریم‌ها خود را نشان می‌دهند و جالب اینجا است که هم می‌توانند در نقش ادامه دهنده روند قبلی و هم در نقش الگوی بازگشتی ظاهر شوند و در هر دو حالت، بهترین مشخصه آنها این است که حداکثر زمان لازم برای ورود به معامله را در اختیار قرار می‌دهند. زیرا هر مثلث عبارت است از دو خط همگرا، در نتیجه این دو خط یک نقطه مشترک دارند که زمان نهایی شکسته شدن الگو را تعیین می‌کند. چنانچه قیمت از این نقطه (رأس) از مثلث خارج شود، الگو مخدوش است ولی چنانچه قبل از رسیدن به آن از یکی از ضلع‌ها خروج کند، می‌توان با رعایت جوانب، اقدام به معامله در آن جهت خروج نمود.

در اینجا به انواع مثلث‌ها می‌پردازیم:

مثلث متقارن

شکل زیر یک مثال کلی از الگوی مثلث متقارن است:

هر سقف از سقف قبلی پایین تر است



هر کف از کف قبلی بالاتر است

گرچه برای وقوع سقفهای نزولی و کفهای صعودی استثنا نیز می‌تواند وجود داشته باشد ولی در کل، بایستی روند نزولی سقفها و روند صعودی کفها حفظ شود.

و در ادامه، به لحظه شکستن یک ضلع و شروع روند نزدیک می‌شویم:

حد سود معقول به اندازه ارتفاع دهانه مثلث متقارن است.



مشاهده می‌کنید که انرژی بازار در طول مثلث جمع می‌شود و سپس در یک سمت آزاد می‌گردد و روندی را شکل می‌دهد.

نکته: در صورتی که مثلث ادامه دهنده روند قبلی باشد، می‌تواند حد سود دوم آن را معادل روند قبل از مثلث در نظر گرفت. ولی چنانچه مثلث بازگشتی باشد، معامله ما در خلاف جهت خواهد بود و از این رو بهتر است به حد سودی معادل ارتفاع دهانه مثلث اکتفا شود.

مثلث بالارونده

در اینجا «بالارونده» اشاره به روند بعد از مثلث ندارد بلکه برای توصیف خود مثلث به کار می‌رود و اشاره دارد به افقی بودن ضلع بالا در عین صعودی بودن ضلع پایین. به تصویر زیر توجه نمایید:

سقفهای همسان (خط مقاومت افقی)



کفهای صعودی

همانطور که در زیر مشاهده می‌کنید، حد سود مناسب برابر است با ارتفاع دهانه مثلث:



نکته: در مورد حد سود دوم به توضیحات انتهای مثلث متقارن رجوع کنید.

مثلث پایین رونده

همان طور که از نامش بر می آید این مثلث دقیقاً بر عکس مثلث بالارونده است. یعنی ضلع پایینی آن افقی و ضلع بالایی اش نزولی است. مشابه تصویر زیر:



و تعیین حد سود در آن نیز مشابه مثلث بالارونده است:



<https://telegram.me/waveRiding>

نکته ای درباره تفاوت الگوی Wedge و الگوی مثلث: الگوهای مثلث خیلی به الگوی Wedge شباهت دارند و بسیاری از افراد آنها را یکسان می پندارند. ولی در این بین دو تفاوت زیر را نیز می تواند ذکر کرد:

- الگوی Wedge نسبت به الگوی مثلث، کشیدگی افقی بیشتری دارد.
- حرکت زیگزاگی قیمت در الگوی مثلث بسیار مشهودتر و منظم تر از الگوی Wedge است.

جمع بندی

همانطور که در این درس بیان شد، الگوهای کلاسیک دارای دو نوع «بازگشتی» و «ادامه دهنده» هستند. برخی الگوها نیز می توانند در هر دو نقش بازی کنند ولی موثقی بودن آنها تنها مربوط به یک نقش می شود.

در معامله گری یک اصل کلی داریم مبنی بر اینکه «بر خلاف روند وارد معامله نشوید». این اصل کلی البته گاهی می تواند زیر پا گذاشته شود ولی باید در نظر داشت که چنین معاملاتی نباید با حد سود بزرگ و به مدت طولانی باز نگه داشته شوند مگر آنکه مسلم شود روند جدیدی آغاز شده و روند غالب بازار تغییر کرده.

بنابراین در مورد الگوهای بازگشتی بایستی با احتیاط بیشتری معامله کرد و تنها به حد سودهای پیشنهادی اقدام کرد